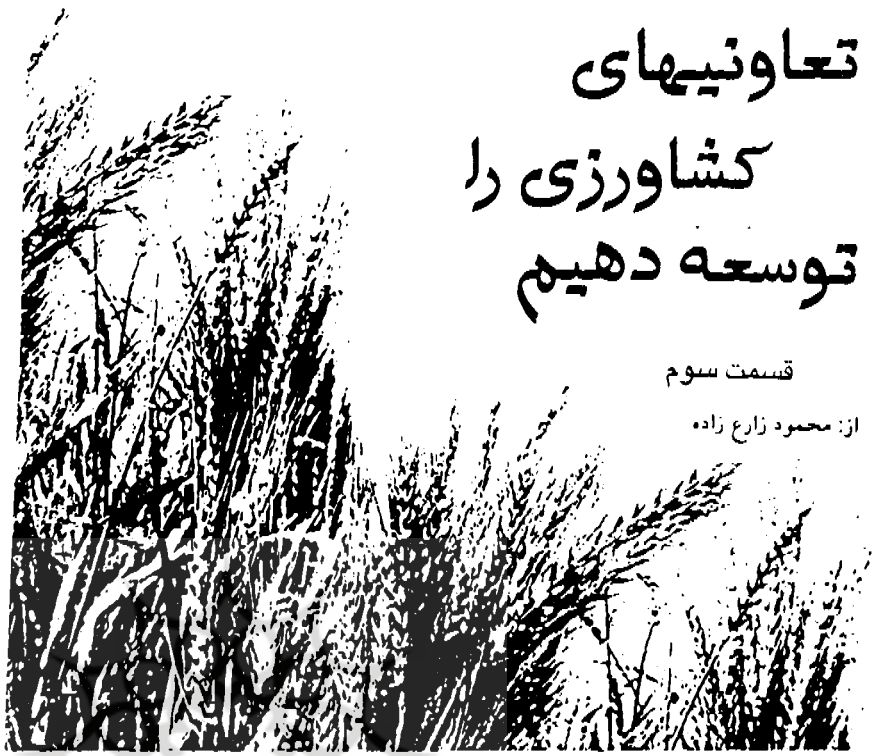


تعاونیهای کشاورزی را توسعه دهیم

قسمت سوم

از: محمود زارع زاده



بود که تعاونیها وارد اقداماتی نظیر جلب مشارکت و همکاری روستائیان برای توسعه روستا و نیز انتقال دانش و تکنولوژی و خلق نوآوریها در روستا می‌شدند و کارهای ارزشمندی انجام می‌دادند. تعاونیها در انجام اقداماتی نظیر خرید و فروش مواد خام و فرایند سازی آنها و نیز طراحی برنامه‌هایی که بتواند بهره‌وری را در کارهای کشاورزی افزایش دهد و یا خدمات ترویجی و بازاریابی و همچنین طراحی و پیگیری خطوط زنجیره‌ای مکمل بویژه در زمینه فرایندهای صنعتی محصولات کشاورزی و دامی نیز نقشی نیافریده‌اند.

برای بهره‌مندی از ظرفیت تعاونی و همچنین بهره‌گیری از آن در جهت یک ابزار مطمئن برای توسعه کشاورزی کشور لازم است تعاونی‌های کشاورزی بطور موثری در زمینه‌هایی مانند خرید و فروش و بازاریابی، قیمت‌گذاری، تولید، سرمایه‌گذاری، ساختار توسعه و آموزش درگیر شوند و کارآفرینی خود را نشان دهند.

معمولاً صنعت و یا چرخه کالای کشاورزی از چند بخش مشخص که هر کدام نیز وظیفه‌های معینی بعهده دارند تشکیل شده است. این فرآیند از کشاورزان آغاز و به مصرف‌کننده ختم می‌شود و بین این دو نیز مجموعه‌ای از سازمانها و موسسات، مقررات و قوانین، و جریاناتی بستر ساز و تسهیل‌کننده وجود دارند.

در کشور ما نزدیک به چهار میلیون خانوار بهره‌بردار (تولیدکننده) وجود دارند که در واقع غذای دوازده میلیون خانوار فعلی کشور را تأمین می‌کنند (بخشی از نیازهای غذایی از طریق واردات تأمین می‌شود). گرچه خانوارهای بهره‌بردار (کشاورزان) خود در زمینه مسائل مربوط به تولید با مشکلات فراوانی اعم از مشکلات طبیعی و یا غیر طبیعی مواجه‌اند ولی مجموع مجموعه‌ای که در میان

تعاونیهای کشاورزی و روستائی می‌توانند در اجراء سیاست‌های عمران و توسعه روستائی موفق باشند.

در کشور ما متأسفانه علی‌رغم گذشت چند دهه از موجودیت و عمر تعاونیهای کشاورزی و روستائی، می‌توان گفت که هنوز در محاق فعالیت‌های اولیه خود باقی مانده‌اند و نتوانسته‌اند وارد عملیات توسعه یافته‌تر شوند. این تعاونیها غالباً در زمینه‌هایی مانند تهیه و توزیع نهادها، تأسیس چندین انبار برای نگهداری محصولات کشاورزی و خرید و فروش بعضی از کالاها و آن هم بمقدار کم و پرداخت و دریافت مقداری ناچیز از اعتبارات مورد نیاز جاری کشاورزان و برخی از خدمات مانند تأسیس فروشگاههای روستائی فراتر نرفته‌اند. در صورتیکه در این مدت چند دهه شایسته

در کشور ما همیشه این دولت بوده است که نقش خود را در قالبهای حمایتی و فنی و تدارکاتی برای ایجاد تعاونی‌ها در بخش کشاورزی عهده دار بوده است، البته این بدان معنی نیست که دولت در تعاونیها نباید نقشی نداشته باشد بلکه بدان معنی باید تلقی شود که حمایت دائمی از تعاونیها موجب آن شده است که خودآگاهی روستائیان برای برقراری و استقرار یک نظام صحیح مردمی که ناشی از روحیه مشارکت و همکاری آنان باید باشد کاهش یابد.

این یک امر ثابت شده تجربی است که امور مشترک اعضاء تعاونی باید توسط خود اعضاء سازمان داده شود و تصمیم‌گیری‌های آنان برای موفقیت و یا شکست تعاونی باید تعیین‌کننده باشد. در این صورت است که می‌توان امیدوار بود که

تولیدکننده و مصرف کننده قرار دارند. عموماً نقشی در جهت رفع مشکلات تولیدکنندگان ایفا نمی‌نمایند. این مجموعه شامل دستگاههای دولتی، سوداگران، تاجران و دلان و میدان داران سنتی و برخی نیز واحدهای صنعتی بخش خصوصی وجود دارند که به جزء دستگاههای دولتی که خود را موظف به رفع مشکلات تولیدکنندگان می‌دانند بقیه عناصر توجه‌ای به این موضوع ندارند.

در ادبیات توسعه گفته می‌شود هیچ کشور توسعه یافته‌ای از کشاورزی عقب افتاده‌ای برخوردار نیست، عموماً حلقه‌های میان تولید کننده و مصرف کننده بخوبی شناسائی و روابط متقابل آنان با دو حلقه‌های دیگر میان تولید کننده و مصرف کننده بخوبی سازمان داده شده است. در این کشورها تعاونی‌ها توانسته‌اند مسئولیت‌های لازم را بعهده گرفته و در جهت تقویت دو حلقه اصلی کام برداشتند.

با توجه به موارد فوق مشاهده می‌شود که بطور خودکار تعاونی‌ها از جمله مجموعه هائی هستند که در میان تولید کنندنده و مصرف کننده نقش حساس اقتصادی و اجتماعی را بازی می‌کنند. تعاونی‌ها در این مجموعه خود را متعهد و موظف می‌دانند که روابط متقابل و عاقلانه و تقویت کنندهای بین تولید و مصرف بوجود بیاورند بنحوی که ماحصل این فرایند منافع کثیری برای این دو حلقه اصلی بوجود آورد.

در غالب کشورهای جهان سوم منجمله کشور ما جایگاه اساسی این حلقه همچنان کم شده باقی مانده است و قطعاً و به منظور توسعه روستائی باید در این جهت گامهای اساسی برداشته شود.

علی رغم تمامی کاستی‌های که در تعاونی‌های کشاورزی و روستائی کشور ما وجود دارد ولی به این نکته باید اذعان داشت که این نوع سازمانها و موسسات

تاکنون توانسته‌اند خدمات نسبتاً قابل قبولی ارائه دهند. و نمی‌توان منکر خدمات آنان شد. توزیع صدها هزار تن کود شیمیایی، توزیع هزاران نوع مایحتاج زندگی روستائیان، توزیع هزاران تن سموم دفع آفات، و خرید چندین میلیون تن گندم و حمل و نقل آنها به سیلوهای کشور و خرید دهها هزار تن محصولات کشاورزی، ارائه خدمات همین تعاونیهای روستائی و کشاورزی می‌باشند که قطعاً اگر چنین موسساتی موجود نبودند آنگاه خسارت و زیانهای بیشتر بویژه به تولیدکنندگان وارد می‌شد.

اما آنچه که باید بر آن تأکید نمود آنست که خدمات اقتصادی و اجتماعی تعاونیها به مراتب باید بالاتر و فراتر از اینها باشد. تعاونیها باید به توسعه روستاها نگاه و توجه داشته باشند، باید در انتقال دانش و تکنولوژی نقش داشته باشند. باید مشارکت و همکاری روستائیان را برای حل مسائل به خودشان بسیج نمایند. سرمایه گذاری، در بخش کشاورزی را فعال نمایند، ارزش افزوده را به بخش



برگردانند و از این رو نرخ پس انداز و بالطبع سرمایه گذاری را افزایش دهند. بطور خلاصه نوآوری را در بخش تحقق دهند و در نتیجه نقش خود را در فقر زدائی روستائیان و نیز افزایش درآمد روستائیان و اشتغال مولد و درآمد کافی برای آنان بروز دهند.

ملاحظه می‌شود که تعاونیها دارای ظرفیت‌هایی هستند که هیچ یک از دو بخش دیگر یعنی بخش دولتی و بخش خصوصی توانائی انجام آن را ندارند و از این رو تعاونیها را نباید مزاحمی برای بویژه بخش خصوصی منظور داشت.

همانگونه که در صفحات قبل اشاره شد، تعاونیها بعنوان بنگاههای اقتصادی و اجتماعی و بدلیل هویت آنها که هدف از تشکیل و ایجاد آنان رفع مشکلات و مهمتر از همه حضور در روند توسعه کشور می‌باشد لذا لازم است با شناخت واقعی مشکلات کشاورزی کشور گام اساسی در جهت تقویت تعاونیهای کشاورزی برای برخورد با آن مشکلات برداشته شود.

مشکلات مشهودی که در بخش کشاورزی و کشاورزان کشور ما وجود دارد می‌توان آنها را بدسته‌های زیر طبقه بندی نمود:

۱- جریان سرمایه در بخش کشاورزی ضعیف است و لذا سرمایه گذاری در این بخش با کندی همراه است.

۲- قدرت تصمیم‌گیری روستائیان در جهت حل مشکلات آب و زمین در مالکیت متعلق بخود پائین و کم رنگ است.

۳- قدرت دلها و واسطه‌ها و نیروهای غیر مسئول در بخش کشاورزی بالاست که این امر مانعی بزرگ در جهت برگشت سرمایه به این بخش می‌باشد.

۴- ابزار و وسایل کار دیر و ناکافی به روستائیان می‌رسد و این امر مانعی بزرگ برای خروج از تفکر خود معشیتی روستائیان می‌باشد.

۵ - تسهیلات اعتباری و همچنین نقدینگی ضروری برای اقدامات جاری روستائیان بسیار کم و ناپذیر است بطوریکه بعضاً اعطای چنین تسهیلاتی فقط برده می‌آنان می‌افزاید.

۶ - یسافته‌های تحقیقاتی و آموزشی کمتر بروستائیان نفوذ یافته است لذا عمدتاً در روشهای سنتی خود باقی مانده‌اند.

۷ - دانش و تکنولوژی مدرن و استفاده از وسایل و ابزار پیشرفته در درون روستائیان بطور مطلوب راه نیافته است و این امر موجب گردیده است، تا نتوانند نسبت به کاری که انجام می‌دهند از درآمد بیشتری برخوردار گردند.

۸ - در هنگام بروز خسارت به کشت و زرع و بویژه هنگام خشکسالی، طغیان آفات و امراض و سیل و از این قبیل، کشاورزان خود را از جبران آن‌ها عاجز می‌بینند و حتی از کمک‌های دولت نیز که بهمین منظور تأمین میشود بدلیل عدم آگاهی از این امر کمتر بهره‌مند میشوند.

۹ - مایحتاج عمومی و مصرفی و بویژه ابزار و وسایل کار کشاورزی اعم از ساده و پیچیده علاوه بر گران بودن خود این کالاها، بدلیل ایستگاههای مختلف توزیع، گرانتر نیز بدست آنان می‌رسد.

۱۰ - بهنگام مسائلی از قبیل شورشدن زمین، کاهش آب زیرزمینی، باتلاقی شدن زمین، کاهش حاصلخیزی خاک و مواردی نظیر اینها، خود را ناتوان در جهت مبارزه با آنها دانسته و لاجرم یا خود را با بهره‌وری هر چه پایین‌تر تطبیق داده و یا ناگزیر به رها نمودن زمین میشوند.

۱۱ - به هنگامی که حقی از آنان ضایع میشود و در پی احقاق حق بسراغ نهادهای اداری میروند بعلمت ناآشنائی کافی با سیستم بوروکراسی اداری خود را ناتوان در احقاق حق دانسته و نادانسته خود را مغبون می‌پندارند.

۱۲ - چنانچه و بهر دلیلی آبدهی قنات

کاهش یابد یا چاه موتوری آنان خسارت سنگینی ببیند ویا تراکتوری برای شخم زمینشان یافت نشود و یا بهنگام درو و برداشت محصول کمبایی نتوانند بیابند، آنوقت است که اندوخته و پس انداز ناچیز آنان به انضمام زیر بار رفتن قرضهای سنگین برای رفع این محدودیتها شرایط زیست آنان سخت‌تر شده و در نتیجه و بویژه جوانان آنان تن به مهاجرت از روستا می‌دهند.

۱۳ - تخریب اراضی کشاورزی و نیز تکه تکه بودن اراضی زارعین در بافت کشاورزی کشورمان بشدت وجود دارد.

موارد فوق و همچنین در سطح کلان وابستگی کشور به اقلامی از واردات که بعضاً در صدهای وسیعی از نیازهای غذایی مردم را تشکیل می‌دهد از ضعف و نارسائیهای کشاورزی کشور ما می‌باشد. بی‌تردید بخش وسیع از مشکلات فوق الذکر از طریق ایجاد تعاونیهای کشاورزی قابل رفع است و تجارب سایر کشورها این امر را ثابت نموده است.

همچنانکه در صفحات اول این مقاله آمده است در بیست سال آینده یعنی وقتی که جمعیت کشور ما بالغ بر یکصد میلیون نفر (یا در همین حدود) خواهد شد نه تنها باید بر مقدار مواد غذایی از واحد سطح هم اکنون تلاش مضاعف و مقدار آن را بحد گفته شده رساند بلکه بایستی تا آن جائیکه امکان داشته باشد باید سطوح دیگری از اراضی را که اینک در زنجیره کشت و زرع وجود ندارد بوجود آورد. مثال بارز این کار اراضی استان خوزستان می‌باشد. در حال حاضر حدود ۷۰۰ هزار هکتار از اراضی خوزستان بصورت آبی و نیمه آبی زیر کشت سالیانه می‌رود و بلحاظ کارشناسی ۸۰۰ هزار هکتار دیگر از اراضی این استان می‌توانند به زیرکشت روند (البته مشروط بر اینکه سدهائی که در برنامه وجود دارند احداث شوند).

سالهاست که اهمیت خوزستان در زمینه کشاورزی مورد بحث وزارتخانه‌های نیرو و کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه می‌باشد ولی واقعیت این است که هماهنگیهای لازم بین وزارتخانه‌های ذیربط برای انجام این مهم بوجود نیامده است. هر یک از وزارتخانه‌ها در این استان وظایفی را انجام می‌دهند و اصولاً نیز به اعتبارات دولت در این زمینه متکی هستند و قطعاً احداث سدها سالها بطول خواهد انجامید و همچنان مهمتر از آن شبکه‌های توزیع آب است که تاکنون حالت اجرائی بخود نگرفته است. خوشبختانه مطالعات خاک شناسی و آب آبیاری در این استان به حد کفایت وجود دارد و استان نیز از امکانات مناسبی برای این بهره‌مندی برخوردار است.

اینک آنچه که در این زمینه می‌تواند نقش کارساز خود را برای بهره‌برداری و همزمان با احداث سدها و ایجاد شبکه‌های آبیاری ایفا نماید ایجاد سازمانهای تولید تعاونی در استان خوزستان می‌باشد و این نیاز بشدت احساس میشود. قطعاً اکتفاء صرف به اعتبارات دولتی و نیز صرفاً با عنوان نمودن اینکه با مشارکت مردمی می‌توان از اراضی خوزستان استفاده نمود نمی‌توان باین نیاز پاسخ داد. لذا لازم است در این استان جلوه‌های موثر تعاونیهای تولید کشاورزی را برقرار نمود. در این راه اولین گام آنست که با هماهنگی بین وزارتخانه‌های کشاورزی، جهاد سازندگی، سازمان برنامه و بودجه و با مسئولیت وزارت تعاون نسبت به این امر مهم از هم اکنون پرداخت. قسمتی از مسئولیتها و اختیارات در منابع این چند وزارتخانه بمدت معینی مثلاً ده سال در استان به یک سازمان که از موجودی فعلی همین وزارتخانه‌ها ایجاد خواهد شد سپرده شود و اولین و مهمترین وظیفه این سازمان نیز با توجه به اطلاعات کارشناسی شده

- 13: Process
- 14: Out put
- 15: One_way
- 16: Resources
- 17: Self_reliant
- 18: Promotion
- 19: Meta_economic Goals
- 20: Values
- 21: Social Monitoring
- 22: Member_orientation
- 23: Common interest
- 24: Benefit
- 25: Flexibility
- 26: Common interests
- 27: Diver sification
- 28: Homogeneous
- 29: Trainners (Educators) and extension Agents.

ابریشم، پسته، خرما، زعفران و از این قبیل) رشد و توسعه یابد.

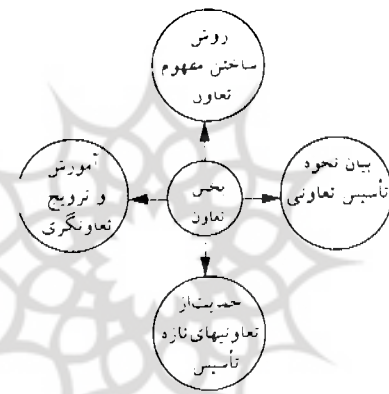
۵- اتحادیه‌های تعاونی مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را با برنامه‌ریزی در زمینه‌های تولید و بازاریابی و اجراء پروژه‌های مورد نیاز متقبل شوند و دولت از این طریق حمایت‌ها و پشتیبانی‌های فنی و مالی خود را معمول دارد.

۶- ذکر این نکته ضروریست که بقاء و توفیق یک تعاونی وابستگی مطلق به اعضاء آن دارد و تمامی کوشش‌ها برای تقویت این بنیان بایستی بعمل آید.

بقیه از صفحه ۱۳

منابع:

- 1: Planning of programmes and projects for the promotion of cooperatives and Rural Groups Based on the AMSAC concert. F.A.O.Rome (1991)
- 2: Participation Monitoring and Evoulotion. Hand book for training field workers, Bangkok.F.A.O (1988)
- 3: Koch,E: Offiooalization of cooperatives in Developing countries. Friedrich _ Ebert _ Stiftung Bonn(1988)
- 4: plan of Action for peoples participation in Rural Development .F.A.O (1991)
- 5: VERHAGEN,K: cooperation for Survival .Amsterdam .Geneva.(1984)



خودار شماره ۸ - وظایف بخش تعاون در فبال
تأمین و توسعه سازمانهای تعاونی اصل

بی روشها:

- 1: Alternatives
- 2: Function
- 3: Awareness
- 4: Structure
- 5: Muagment
- 6: Control(monitoning)
- 7: Assessment
- 8: Peoples participation
- 9: Incentive
- 10: Finacial Capital
- 11: System
- 12: Input

اقدام به طراحی سازمانهای تعاونی تولید و اعلام عام در کشور برای اجرا خواهد بود. ایجاد سازمانهای تعاونی تولید کشاورزی در استان خوزستان بهترین پاسخ به بهره‌گیری از منابع آب و خاک این استان می‌باشد. تجمع نیروی انسانی به انضمام سرمایه به اضافه حمایت‌های دولت راه را برای به ثمر رساندن اهداف بهره مندی از منابع آب و خاک هموار خواهد نمود و راه توسعه استان را تسهیل خواهد نمود.

در خاتمه و بمنظور دسترسی به ارکان بخش تعاون در جهت توسعه کشاورزی کشور لازم است برنامه ریزان و سیاست‌گذاران کشور نسبت به امر تعاون بسیار و بیش از پیش حساس بوده و با توجه به نیازها و آرمانهایی که در این زمینه در مورد کشاورزی و تعاون ذکر شد و نسبت به تقویت و حمایت از آن بپردازند و در ابتدا نیز توصیه‌های زیر می‌تواند نسبت به قوام ارکان تعاونی مفید و موثر باشد.

۱- در نگاه مسئولین کشور تعاونی‌ها صرفاً به صورت بخش خصوصی منظور نشوند و مرزهای این دو کاملاً شناسائی شود.

۲- دخالت سازمانهای دولتی در اداره شرکت‌های تعاونی کاهش یابد و به تدریج به سمت صفر میل نماید.

۳- حمایت دولت از طریق اتخاذ سیاست‌های حمایتی و تشویقی در مورد تعاونیها بکار رود و دولت ضمن حمایت و تشویق بخشی از تصدیهای خود را به تعاونیها واگذار نماید.

۴- تمامی ابزارهای مورد نیاز بخش تعاون نظیر بانک تعاون، بیمه‌های تعاون، اتحادیه‌های تعاونی، ایجاد اتحادیه‌های تخصصی برای کالاهای کشاورزی(نظیر اتحادیه برنج کاران، پنبه کاران، دامداران، پرورش دهندگان دام و طیور، آبزیان، کرم

